

تنظیم سند مالکیت خودرو در حقوق ایران؛ نیروی انتظامی یا دفتر اسناد رسمی؟

محمد شگری*

چکیده

معاملات با موضوع انتقال مالکیت، یکی از ضرورت‌های اجتماعی است. سند در اثبات تحقق این اعمال حقوقی نقشی مهم دارد که ممکن است رسمی یا عادی باشد. اصل بر الزامی نبودن تنظیم سند رسمی است، مگر مواردی که قانون تصریح کند. بیع و انتقال املاک و هبه‌نامه در شمار این موارد اجباری است. علاوه بر آن، در برخی موارد دیگر مانند انتقال ورقه اختراع، سرقفلی و معاملات کشتی نیز قوانین خاص، ضرورت تنظیم سند رسمی را مقرر کرده است. انتقال مالکیت خودرو به عنوان یکی از معاملات رایج و مهم در جامعه محل مناقشه و اختلاف است. معاملات این اموال در بادی امر نیازمند ثبت رسمی نبود، ولی با تصویب قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب سال ۱۳۹۸، انتقال رسمی این اموال نیز مقرر شد. این مسئله به دلیل عبارت قانون، محل اختلاف است؛ این که سند صادرشده از سوی نیروی انتظامی کافی است یا علاوه بر آن، به تنظیم دوباره سند در دفتر اسناد رسمی نیاز است؟ این نوشتار، همین موضوع را به شیوه توصیفی - تحلیلی با ابتدای بر اصول حقوقی و ظرفیت‌های قانونی موجود و رویکرد توجه به نیاز حقوقی جامعه بررسی کرده است. برخی صاحب‌نظران به الزام تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی باور دارند. نتیجه بررسی‌ها از رسمی بودن سند صادرشده از سوی نیروی انتظامی و الزامی نبودن ثبت در دفتر اسناد رسمی حکایت دارد. این دیدگاه علاوه بر انطباق با مقررات موجود و رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری، متضمن رویکرد کاهش هزینه متعاملین و منطبق با رفاه اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: خودرو، سند رسمی، نیروی انتظامی، دفتر اسناد رسمی.

مقدمه

همه صاحب‌نظران به حق مالکیت به عنوان کامل‌ترین حق انسان بر اموال توجه دارند. خصوصیات اطلاق، انحصار و دایمی بودن این حق، اهمیتی ویژه به آن داده است.^۱ حق مالکیت در مواجهه با قدرت عمومی سزاوار بیشترین و قویترین حمایت‌های قانونی است.^۲ مالک هر مال، حق هر نوع استفاده‌ای از آن را می‌یابد و حق دارد دیگران را از آن منع کند. بر این اساس، قواعد حاکم بر شیوه تملک اموال همیشه بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق اموال و مالکیت است. در بین اموال، بشر همیشه از وسایل حمل و نقل به عنوان یکی از ضرورت‌های زندگی بهره گرفته‌اند. با توجه به نقش و ضرورت این وسایل در جابه‌جایی افراد یا اموال، موضوع مالکیت آن‌ها در شمار موضوعات رایج و شایع است.

حق یا امتیاز اشخاص نسبت به اسباب حمل و نقل به شیوه‌هایی اعم از مالکیت بر عین یا منفعت آن‌ها یا حق انتفاع یا اباحه منفعت میسور است. آنچه در خصوص این دسته از اموال اهمیت بیش‌تری دارد، نوع اول یعنی مالکیت عین آن‌هاست که در هر عصر به فراخور نوع وسایل، اصولاً تابع مالکیت بر اموال منقول است. در زمانی، وسایل حمل و نقل به برخی حیوانات مناسب باربری محدود بود. سپس مصنوعات گاری به آن افزوده شد. امروزه با پیشرفت صنعت، حمل و نقل با مصنوعات موتوری دارای کیفیت و سرعت صورت می‌گیرد. استفاده از وسایل حمل و نقل صنعتی موتوری شامل زمینی، هوایی و دریایی نیز به دلیل قدرت و سرعت آن‌ها به عنوان ضرورت اجتماعی، اجتناب‌ناپذیر است و همگان به صورت مکرر و روزانه از آن استفاده می‌کنند.

این اهمیت و میزان استفاده سبب شده است اهمیت مقررات حقوقی مربوط به آن‌ها از جمله مالکیت و انتقال مالکیت عین آن‌ها افزایش یابد. در این میان، خودرو به عنوان وسیله حمل و نقل زمینی به دلیل گستره استفاده اهمیت خاصی دارد. نقش ضروری این کالا و انگیزه کسب حق مالکیت بر خودرو سبب گسترش معاملات مربوط به این حوزه شده است، به طوری که شاید بتوان گفت پس از معاملات کالاهای خوراکی و مصرفی، قراردادهای انتقال خودرو در صدر معاملات رایج در جامعه قرار دارد. علاوه بر این، دارنده خودرو به موجب مقررات بیمه، مکلف به بیمه کردن آن است و به صورت نوعی، مسئول جبران تمام خسارتی خواهد بود که بر اثر حوادث رانندگی به ثالث وارد می‌شود.^۱

۱. هاشمی، سید احمدعلی و ابراهیم تقی‌زاده، **حقوق اموال و مالکیت**، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۳، ص ۱۴۱.

۲. لعلی سراب، مسعود، محمد مظه‌ری و علی حاجی‌پور کندرود، **تأملی بر مراجع صلاحیت‌دار و ابین شکلی**

سلب مالکیت اراضی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره سوم، شماره ۹، ص ۱۸۷.

۳. تقی‌زاده، ابراهیم و سید احمدعلی هاشمی، **مسئولیت مدنی (ضمان قهری)**، تهران: پیام نور، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵.

علاوه بر هدف استفاده شخصی، در وضعیت خاص اقتصادی مثل تورم - همانند زمان نگارش این نوشتار - خرید و فروش خودرو، به عنوان کالایی سرمایه‌ای و به منظور حفظ ارزش دارایی نیز عاملی مهم در دو چندان شدن معاملات خودروست. بدون تردید، در چنین وضعیتی، مسئله مالکیت خودرو و قواعد حقوقی انتقال آن از شخصی به شخص دیگر باید روشن باشد؛ زیرا هر گونه ابهام یا اختلاف در این باب، مشکلات حقوقی، قضایی و اجتماعی پدید می‌آورد. یکی از اختلافات نسبتاً قدیمی راجع به مالکیت خودرو در ایران، موضوع ضرورت داشتن یا نداشتن تنظیم سند معاملات آن‌ها در دفتر اسناد رسمی است. برخی نویسندگان، سند صادرشده از سوی نیروی انتظامی، موسوم به برگ سبز را کافی می‌دانند، ولی عده‌ای دیگر، انتقال رسمی را به تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی وابسته می‌شمارند. در رویه قضایی محاکم نیز اختلاف آرا در این باب مشهود است. از جمله شعبه نهم دادگاه عمومی حقوقی مشهد در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۷۵۷۹۰۰۱۲۹ مورخ ۹۹۰۹۹۷۷۵۱۸۹۲۰۰۸۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۳۰، برگ سبز صادرشده از جانب نیروی انتظامی را سند رسمی مالکیت نقل و انتقال خودرو شمرده و مراجعه به دفتر اسناد رسمی را الزامی ندانسته‌اند. برعکس، شعبه دهم دادگاه تجدید نظر استان مازندران در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۱۵۱۶۳۰۱۷۵۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۷ و شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان کردستان در دادنامه شماره ۱۴۰۰۴۸۳۹۰۰۰۰۶۳۶۷۳۳ مورخ ۱۴۰۰/۳/۳، نقل و انتقال خودرو در دفتر اسناد رسمی را الزامی دانسته‌اند. در این راستا، ریاست سازمان ثبت، خواستار صدور رأی وحدت رویه شده است.^۱

اهمیت موضوع به عنوان یکی از مسائل حقوقی روز جامعه و اختلاف ایده‌ها در این باب که ناشی از نقص و ابهام قانونی است، انگیزه انتخاب موضوع حاضر شد تا با تحلیل حقوقی، پاسخی منطقی به آن داده شود. پرسش‌های این پژوهش عبارت است از این‌که انتقال رسمی مالکیت خودرو، اجباری است یا اختیاری؟ سند مالکیت خودرو تنظیم‌شده از جانب نیروی انتظامی، سند رسمی است یا عادی؟ آیا انتقال رسمی مالکیت خودرو به تنظیم سند نزد دفتر اسناد رسمی وابسته است یا خیر؟ مزایا و معایب تنظیم سند از سوی هر کدام از این مراجع کدامند؟

در ساختار پردازش موضوع، ابتدا به دو نظریه و استدلال‌های هر کدام پرداخته می‌شود. سپس با ابتدای بر قوانین موجود و اصول حقوقی و توجه به آثار اجتماعی ناشی از آن‌ها می‌کوشیم راه حل حقوقی شایسته، منطبق با اصول حقوقی و با رویکرد تسهیل این بخش از زندگی اجتماعی عرضه کنیم.

گفتار یکم - سند و معاملات (جایگاه حقوقی سند در معاملات)

«سند» در لغت به معنای آن چه به آن اعتماد کنند، مدرک، مستند و نوشته قابل استناد آمده است.^۱ تولد تاریخی اصطلاح «سند» در مفهوم «نوشته‌ای معتبر»، به کاربرد آن در کتاب عالم‌آرای امینی، یکی از منابع معتبر قرن نهم هجری برمی‌گردد. پژوهش‌های تاریخی، مبین کاربرد اصطلاح «سند» برای بار نخست در دستگاه اداری و حکومتی در مفهوم نوشته‌ای معتبر بوده که بعدها به دیگر بخش‌ها تسری یافته است. در منابع دوره صفوی، معنای سند به موضوعات حقوقی و مالکیت مخصوصاً در حوزه زمین توسعه یافت،^۲ به گونه‌ای که این واژه با مفهومی حقوقی در شمایل یک نوشته دال بر مالکیت زمین و مستغلات رایج شد.^۳ در عمل، اسناد، مهم‌ترین ادله اثبات دعواست که در دستگاه قضایی به آن استناد می‌شود.^۴ «هدف از تنظیم سند، فراهم آوردن امکان استناد به آن» است.^۵ بنا بر این، ارکان سند عبارت است از «کتبی بودن» و «قابلیت استناد». اگر هر کدام از این موارد، منتفی باشد، از عداد دلایل خارج است.

در تعریف سند گفته شده که تنظیم آن برای اثبات اعمال حقوقی است.^۶ نوشته به عنوان خط یا علامتی متضمن حکایت از یک مطلب است که می‌تواند روی کاغذ باشد یا چیز دیگر.^۷ برخی گفته‌اند در اعتبار سند، مکتوب بودن شرط نیست و مواردی دیگر هم‌چون واسطه‌های الکترونیک نیز سند محسوب می‌شوند.^۸ ضمن تأیید قسمت اخیر این بیان، نویسنده، ظاهراً «کتبی» را معادل «کاغذی» تلقی کرده است، حال آن که کتبی بودن می‌تواند کاغذی یا غیر کاغذی باشد. مفهوم کاغذ و نوشته یکی نیست و نوشته اعم از کاغذی و غیر کاغذی است.^۹

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۹۲۹.
۲. فرخی، یزدان، «کاوشی درباره لفظ سند در متون فارسی به معنای نوشته‌ای رسمی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۳۹۴، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۶۱-۶۲.
۳. همان، ص ۶۳.
۴. واحدی، قدرت‌الله، **بایسته‌های آیین دادرسی مدنی**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲.
۵. سادات‌اخوی، سید محسن و سید مرتضی طباطبایی، «**تحلیل اعتبار مطلق اسناد رسمی در پرتو قانون احکام دایمی برنامه‌های توسعه**»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۸، دوره سی و هشتم، شماره ۱۰۸، ص ۱۲۰.
۶. کاتوزیان، ناصر، **اثبات و دلیل اثبات**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۷۶.
۷. صدرزاده افشار، محسن، **ادله اثبات دعوا در حقوق ایران**، تهران: سمت، ۱۳۷۶، ص ۶۱.
۸. وصالی ناصح، مرتضی، «**سند رسمی الکترونیک (مطالعه تطبیقی امکان صدور سند رسمی الکترونیک در حقوق ایران و امریکا)**»، دانش‌نامه سیاست و حقوق، ۱۳۹۴، شماره ۲۵، ص ۶۵.
۹. همان، ص ۶۶.

سند عادی، ویژگی خاص و خصوصیت دیگری مضاف بر تعریف سند در ماده ۱۲۸۴ ق.م. ندارد. در تعریف سند عادی گفته شده است: «سند عادی، هر نوشته معمولی است که به نحوی می‌تواند بر وقوع امری دلالت کند که با اثبات آن، حقانیت کسی که به آن استناد نموده، ثابت می‌گردد.»^۱ در این تعریف، واژه «معمولی» زاید است؛ چون این اصطلاح، واضح‌تر از اصطلاح «عادی» نیست. افزون بر آن، به جای «کسی»، کاربرد واژه «شخصی» ترجیح دارد تا علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی را نیز پوشش دهد. در تعریف بیان شده نیز صرفاً به اثبات حقی برای استنادکننده به سند اشاره شده است. این در حالی است که هر چند در غالب موارد چنین است، ولی ممکن است در مواردی، سند، مثبت حقانیت امری به نفع طرف غیر استنادکننده باشد، مانند مواردی که مرجع قضایی، سند را کشف و بر اساس آن، رأی صادر کند. به همین علت، تعریف سند در قانون مدنی، از تخصیص اثبات حق برای استنادکننده عاری است.

در بیان تفاوت سند عادی و رسمی باید به قابلیت انکار و تردید اسناد عادی اشاره کرد، بر خلاف اسناد رسمی که این ادعا مسموع نیست.^۲ وجه افتراق بین این دو هم آن است که سند رسمی به اثبات نیاز ندارد، ولی مندرجات سند عادی باید به نحوی در محکمه اثبات گردد.^۳ سند عادی در حق متعاملین تا آن جا مؤثر است که معارض حقوق ثالث نباشد و در برابر سند رسمی توان قابلیت استناد ندارد.^۴

در فقه، آنچه موجد عقد است، اصولاً همان تراضی متعاملین است. در این خصوص این گونه آمده است: «أما البيع فهو الإيجاب والقبول اللذان تنتقل بهما العين المملوكة من مالك إلى غيره بعوض مقدر، وله شروط: الأول: يشترط في المتعاقدين كمال العقل والاختيار، وأن يكون البائع مالكا أو وليا كالأب والجد للاب والحاكم وأمينه والوصى، أو وكيلاً».^۵ بر این اساس، اثر عقد، انتقال مالکیت عین معین بلافاصله در لحظه تشکیل عقد است. البته خصوصیت تملیکی و انتقال عین با عقد مختص عین معین است و در کلی فی‌الذمه عهدی است.^۶ انتقال با تعیین و تسلیم صورت می‌پذیرد. گذشته از بحث تملیکی یا عهدی

۱. واحدی، پیشین، ص ۱۵۳.

۲. احسانی‌فر، احمد، «ادله قرآنی اعتبار سند رسمی و چیرگی آن بر دیگر ادله اثبات دعوا»، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۶، سال چهارم، شماره ۷، ص ۱۲۸.

۳. واحدی، پیشین، ص ۱۵۴.

۴. سادات‌اخوی و طباطبایی، پیشین، ص ۱۲۹.

۵. محقق حلی، مختصر النافع فی فقه الامامیه، تهران: قسم الدراسات الإسلامية فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۰، ص ۱۱۸.

۶. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی (۶): عقود معین (۱)، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۳۳-۳۲.

بودن، در تحقق معامله، اصل بر کفایت تراضی است، مگر مواردی که قانون، خلاف آن را مقرر کرده باشد. این شرایط ثبوتی است، ولی اثبات آن بر عهده مدعی قرارداد است. وجه رایج اثبات قرارداد به موجب سند (عادی یا رسمی) است. در خصوص اسناد عادی، دادگاه با احراز وقوع، صحت قرارداد را کشف و اعلام می‌کند.^۱ سند رسمی بدون نیاز به احراز وقوع مندرجات آن در دادگاه، معتبر است.

اِعمال روش‌های نوین و کارآمد برای ثبت مالکیت از طریق قوانین مناسب، متضمن رویکرد افزایش اعتبار سند رسمی از یک سو و ممانعت از تضییع حق و در نتیجه، کاهش اختلافات در این حوزه است.^۲ در ایران، ثبت رسمی معاملات عین و منافع املاک با وضع قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰ اجباری شد؛ زیرا مفهوم مخالف ماده ۲۲ قانون ثبت مبتنی بر نداشتن قابلیت استناد و بی‌اعتباری سند عادی در املاک است. البته نظریه شورای نگهبان (۱۳۹۵/۸/۴) همین نکته را نیز مغایر با موازین شرعی و باطل اعلام کرد.^۳ بر اساس نظریه موجد حق به ثبت رسمی (ایجاد حق با سند رسمی)، سند صرفاً نقش اثباتی ندارد؛ تراضی متعاملین کفایت نمی‌کند و صحت و اعتبار آن، مشروط به ثبت رسمی است. رویکرد سند رسمی، افزایش ضریب صحت قرارداد و کاهش احتمالی اختلافات قضایی است که رعایت نشدن آن به کاهش شاخص رفاه و تحمیل هزینه‌های اجتماعی می‌انجامد.^۴

گفتار دوم - نقد توجیه‌های مربوط به ضرورت تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی

یکی از نظرهای مهم در خصوص انتقال مالکیت خودرو، ضرورت ثبت معاملات انتقال مالکیت خودرو در دفتر اسناد رسمی است. مطابق این نظر، انتقال رسمی خودرو به تنظیم سند انتقال نزد یکی از دفترهای اسناد رسمی وابسته است. بر این اساس، متعاملین خودرو پس از رسیدن به توافق و انجام دادن امور مربوط باید ابتدا به نیروی انتظامی (راهنمایی و رانندگی) مراجعه کنند. پس از صدور شناس‌نامه مالکیت خودرو (موسوم به برگ سبز

۱. و خدابخشی، عبدالله، «قابلیت استناد سند عادی در برابر سند رسمی؛ رویه قضایی و راهکارها»،

تعالی حقوق، ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۸۶-۸۵.

۲. مهرآسا، جمشید، علی‌رضا حسینی و محمد روحانی مقدم، «جایگاه ثبت نوین اسناد تک برگی و حدنگار در اعتباربخشی به اسناد رسمی و بیع املاک»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴۰۰، سال

سیزدهم، شماره ۲۴، صص ۴۴۰.

۳. احسانی‌فر، پیشین، ص ۱۲۹.

۴. سادات‌اخوی و طباطبایی، پیشین، ص ۱۲۴.

خودرو) به نام منتقل‌الیه و تعویض پلاک، معامله را در دفتر اسناد رسمی نیز ثبت کنند. برگ سبز را نیروی انتظامی با عنوان «شناس‌نامه مالکیت خودرو» صادر می‌کند. برای این کار، خریدار و فروشنده باید حضور یابند یا خریدار، وکالت رسمی برای تعویض پلاک از انتقال‌دهنده داشته باشد. خریدار و فروشنده، برگ را که در آن، نام متعاملین و مشخصات کامل خودرو آمده و محتوای آن نیز انتقال مالکیت خودروست، پس از مطالعه امضا می‌کنند. این برگ (فرم) به مفهوم واقعی خود، مَثبت اراده طرفین برای انتقال قراردادی موضوع معامله است. بر اساس آن، برگ سبز خودرو به نام انتقال‌گیرنده صادر می‌شود. محتوای سند صادرشده، متضمن مالکیت انتقال‌گیرنده بر خودروست.

مطابق این نظر، تحقق انتقال رسمی مالکیت خودرو در این مرحله یعنی تنظیم سند انتقال خودرو در دفتر اسناد رسمی است. پس تا سند انتقال در این مرجع تنظیم نشود، انتقال رسمی صورت نمی‌گیرد. این دسته در توجیه نظر خود می‌گویند:

۱. استناد قانونی این نظر علاوه بر عبارات ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی همین قانون است که در شهریور ۱۳۹۱ به تصویب هیئت وزیران رسیده است. مطابق ماده ۲۹ قانون یادشده، «نقل و انتقال خودرو به موجب سند رسمی انجام می‌شود. دارندگان وسایل نقلیه مکلفند قبل از هر گونه نقل و انتقال وسایل مذکور در دفاتر اسناد رسمی، ابتدا به ادارات راهنمایی و رانندگی یا مراکز تعیین‌شده از سوی راهنمایی و رانندگی برای بررسی اصالت وسیله نقلیه، هویت مالک، پرداخت جریمه‌ها و دیون معوق و تعویض پلاک به نام مالک جدید مراجعه نمایند.» هم‌چنین مطابق تبصره ۱: «نیروی انتظامی می‌تواند با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، امکان استقرار دفاتر اسناد رسمی را به تعداد کافی در مراکز تعویض پلاک فراهم آورد».

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه‌های مشورتی شماره ۷/۹۹/۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۹ و ۷/۹۹/۱۰۳۲ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۹ نیز با استناد به این ماده، در نتیجه‌گیری متعارض با استدلال، با این‌که برگ سبز خودرو را از اسناد رسمی شمرده، ملاک رسمی مالکیت خودرو را سند تنظیمی در دفتر اسناد رسمی دانسته است. ماده ۲ آیین‌نامه نیز بیان می‌دارد: «دارندگان وسایل نقلیه مکلفند قبل از هر گونه نقل و انتقال وسیله نقلیه در دفاتر اسناد رسمی، ابتدا با در دست داشتن مدارک مالکیت وسیله نقلیه، به اداره‌های راهنمایی و رانندگی یا مراکز تعویض پلاک مراجعه کنند. دفاتر اسناد رسمی نیز موظفند بعد از تعویض پلاک، سند خودرو را صادر کنند».

این استناد مبنای قانونی ندارد؛ زیرا مقررات یادشده به صورت صریح، دلالتی بر لزوم تنظیم سند رسمی در دفتر اسناد رسمی ندارد، بلکه ترتیب رجوع و ضرورت تقدّم تعویض

پلاک و از جمله صدور شناسنامه مالکیت خودرو به نام مالک جدید (خریدار یا منتقل‌الیه) برای مراجعه به دفتر اسناد رسمی بیان شده است. می‌توان گفت چنانچه متعاملین تمایل داشته باشند به دفاتر اسناد نیز رجوع کنند، مکلفند ترتیب یادشده را رعایت کنند. در همین راستا، ماده ۴ همان آیین‌نامه به ممنوعیت اقدام ابتدایی دفتر اسناد رسمی تصریح می‌کند: «دفاتر اسناد رسمی، مجاز به صدور سند نقل و انتقال وسیله نقلیه قبل از مراجعه دارندگان وسایل نقلیه به ادارات راهنمایی و رانندگی و یا مراکز تعویض پلاک نمی‌باشند». هم‌چنین موضوع امکان استقرار دفتر اسناد رسمی در مراکز تعویض پلاک هرگز بر اجبار رجوع به این دفاتر دلالت ندارد و به اصل اختیاری بودن تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. در تقویت این امر باید به واژگان «می‌تواند» و «همکاری» در تبصره ۱ ماده ۲۹ قانون یادشده اشاره کرد. «می‌تواند»، متضمن اختیار نیروی انتظامی بر این امر است و اصطلاح «همکاری» نیز مفید همین رویکرد است.

۲. گاهی صلاحیت و سواد حقوقی سردفتران در تشخیص اهلیت متعاملین و تنظیم سند و صلاحیت نداشتن نیروی انتظامی در این خصوص مطرح می‌شود. به موجب ماده ۵۰ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر گاه مسئول دفتر در هویت متعاملین یا طرفی که تعهد می‌کند، تردید داشته باشد، باید دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضوراً هویت آنان را تصدیق نموده و مسئول دفتر، مراتب را در دفتر ثبت و به امضای شهود رسانیده و این نکته را در خود اسناد قید نماید».

در رد این ادعا باید گفت:

یک - مطابق ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹: «ادارات راهنمایی و رانندگی و مراکز تعویض پلاک مکلفند نسبت به بررسی و احراز اصالت وسیله نقلیه، هویت دارندگان وسایل نقلیه، اخذ گواهی دیون معوق، جریمه‌های رانندگی و تعویض پلاک به نام مالک جدید اقدام نمایند».

دو - آنچه در قوانین ثبتی و مقررات مربوط به شیوه انجام وظایف دفتر اسناد رسمی آمده، مربوط به همین مرجع است. رعایت این مقررات برای دیگر مراجع و مأموران لازم‌الرعایه نیست؛ چون موضوع احراز هویت و تشخیص اهلیت در بسیاری از مراجع دیگر نیز انجام می‌گیرد. نمونه بارز این موارد، عملیات بانکی است که گاه افتتاح حساب یا برداشت حساب با مبالغ بسیار بالا نیز صورت می‌گیرد و احراز هویت و اهلیت با ملاحظه و تطبیق مدارک شناسایی وی انجام می‌پذیرد. ضمن این‌که سردفتران اسناد رسمی نیز به همین صورت عمل می‌کنند و ملاک تشخیص هویت و اهلیت آنان، مدارک شناسایی متعاملین است و کاری فراتر از آن صورت نمی‌پذیرد. دیگر مقررات نیز همان طور که بیان شد، مختص

دفتر اسناد رسمی است و با دیگر مراجع از جمله نیروی انتظامی برای صدور سند مالکیت جدید خودرو ارتباطی ندارد.

۳. برخی سردفتران در بیان ضرورت تنظیم سند رسمی در دفتر اسناد رسمی گفته‌اند: مالکیت پلاک خودرو، دلیل بر مالکیت خودرو نیست و مالکیت پلاک خودرو، دلیل مناسبی برای احراز مالکیت خودرو نیست.^۱ برخی از آنان نیز با نظر به تفکیک آن دو، تغییر مالک پلاک را از وظایف نیروی انتظامی و تغییر مالک خودرو را از وظایف دفتر اسناد رسمی دانسته و اظهار داشته‌اند که وسایل نقلیه بدون تنظیم سند رسمی در دفترخانه‌ها قابل انتقال نیست.^۲ این گروه، انتقال خودرو در مرجعی غیر از دفترخانه را انتقال غیر قانونی نامیده‌اند.^۳ این استدلال منطق حقوقی ندارد؛ چون اصولاً فلسفه مالکیت پلاک، تشخیص مالک همان خودرویی است که پلاک یادشده در آن منصوب است. به عبارت دیگر، پلاک از مالکیت شخص بر خودرو مربوط حکایت دارد. مواردی که بعضی اشخاص مرتکب خلاف می‌شوند و برای انجام دادن اعمال خلاف و شناسایی نشدن از پلاک دیگری استفاده می‌کنند یا آن را مخدوش می‌کنند، دلیل بر رد اصل نیست؛ زیرا سند مالکیت خودرو و از جمله سند تنظیمی در دفتر اسناد رسمی نیز ممکن است جعل شود.

در ضمن، کارت مالکیت خودرو صادرشده از جانب نیروی انتظامی به صراحت با عنوان مالکیت خودرو و به نام خریدار (منتقل‌الیه) صادر می‌شود، نه مالکیت پلاک خودرو. عبارت «تعویض پلاک به نام مالک جدید»، مرقوم در ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی، متضمن تعویض مالکیت خودرو و در نتیجه، از وظایف قانونی نیروی انتظامی است. اگر متعاملین علاوه بر سند مالکیت نیروی انتظامی، خواهان انتقال از طریق دفتر اسناد رسمی نیز باشند، مانع قانونی وجود ندارد، هر چند ضرورتی ندارد و موجب هزینه‌هایی برای دریافت دومین سند رسمی است.

مقصود ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی از «مأمورین رسمی»، اعم از مأموران دولتی و مأموران بخش خصوصی است که از طرف دولت، مأمور به امری باشند، مثل مأموران دفتر اسناد رسمی.^۴ این دفترها خصوصی هستند، ولی چون از سوی سازمان ثبت و مطابق قانون، مأمور

۱. زارعی، محمد، «تنظیم سند رسمی برای وسایل نقلیه موتوری»، ماهنامه کانون، ۱۳۸۹، شماره ۱۰۷، ص ۴۷.

۲. فلاحت‌پیشه، بهنوش، «مرجع صدور سند مالکیت وسایل نقلیه»، ماهنامه کانون، ۱۳۹۰، شماره ۱۲۵، صص ۷۲ و ۷۶.

۳. تاجگر، رضا، «دفتر اسناد رسمی؛ مرجع صدور سند مالکیت وسایل نقلیه»، ماهنامه کانون، ۱۳۹۲، شماره ۱۴۰ و ۱۴۱، ص ۱۲.

۴. کریمی، عباس، ادله اثبات دعوا، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰، ص ۹۵.

به فعالیت هستند، مشمول عنوان رسمی می‌شوند. رسمیت مراکز تعویض پلاک نیز از همین نوع است.

برخی سردفتران با تمسک به صلاحیت نداشتن مأموران نیروی انتظامی برای صدور سند مالکیت خودرو، سند مالکیت صادرشده از این ارگان دولتی را به استناد ماده ۱۲۹۳ ق.م، سند عادی تلقی کرده‌اند.^۱ نویسنده یادشده با استناد به این‌که نیروی انتظامی، وظیفه امنیت جامعه را بر عهده دارد و ضابط دادگستری است، با احصای وظایف این ارگان به عنوان ضابط، به صلاحیت نداشتن آن در زمینه صدور سند مالکیت خودرو رأی داده است.^۲ این در حالی است که:

یک - اگر سردفتران و دفتریاران به دلیل وابستگی به ساختار اداری سازمان ثبت، جزء مأموران رسمی تلقی می‌شوند و اسناد تنظیمی از جانب آن‌ها رسمی است،^۳ نیروی انتظامی، خود، از مأموران دولتی بوده و از نظر ساختاری، بخشی از دولت است. مراکز تعویض پلاک نیز بر اساس بند «ث» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی با مجوز و زیر نظر نیروی انتظامی فعالیت می‌کنند.

دو - به تصریح ماده ۲۲ قانون اصلاحی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۸/۶/۷، مسؤولیت صدور گواهی‌نامه رانندگی، اسناد مالکیت و پلاک خودرو در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است.^۴ صراحت ماده قانونی در صدور اسناد مالکیت و پلاک خودرو، تردیدی در صلاحیت این نهاد باقی نمی‌گذارد، بلکه از وظایف قانونی آن است.

هم‌چنین تعویض پلاک مصرّح موضوع ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی، بر تعویض مالکیت آن خودرو در شمار صلاحیت‌ها و بلکه وظایف قانونی نیروی انتظامی دلالت تضمّنی دارد. ضمن این‌که مطابق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون

۱. تاجگر، پیشین، ص ۱۰.

۲. همان، صص ۱۴-۱۳.

۳. درویشی، بابک و وجیهه محسنی، «نگاهی به چگونگی انتخاب و صلاحیت سردفتران اسناد رسمی

در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۹۰، دوره چهارم، شماره ۱۴، ص ۸۳.

۴. «مسئولیت صدور گواهی‌نامه رانندگی، اسناد مالکیت و پلاک خودرو در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و وظیفه ترجمه و تبدیل گواهی‌نامه‌های رانندگی معتبر صادرشده توسط نیروی انتظامی و سایر اسناد و مدارک مذکور به مدارک بین‌المللی وفق مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی سال‌های ۱۳۲۸ هجری شمسی (۱۹۴۹ میلادی) و ۱۳۴۷ هجری شمسی (۱۹۶۸ میلادی) حمل و نقل جاده‌ای و حسب عرف بین‌المللی و مقررات حاکم بر تمامی کشورهای عضو سازمان بین‌المللی جهان‌گردی (AIT) و فدراسیون بین‌المللی اتومبیل‌رانی (FIA) بر عهده کنون جهان‌گردی و اتومبیل‌رانی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد».

یادشده که هیئت وزیران آن را در مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۵ بر اساس پیشنهاد مشترک وزارت‌خانه‌های دادگستری کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و به استناد تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹ تصویب کرده است، تعویض پلاک شامل «صدور سند مالکیت خودرو» نیز هست. به موجب این مقرره، تعویض پلاک عبارت است از «فک پلاک متعلق به مالک از روی وسیله نقلیه و اختصاص پلاک به منتقل‌الیه و ثبت اطلاعات منتقل‌الیه به عنوان آخرین مالک در سامانه شماره‌گذاری و صدور سند مالکیت و کارت شناسایی خودرو و نصب پلاک مربوط به مالک جدید بر روی وسیله نقلیه».

به علاوه، اگر چه یکی از وظایف این نیرو، انجام وظایفی به عنوان ضابط دادگستری است، ولی وظیفه آن به این عنوان محدود نیست. از طرف دیگر، صدور سند مالکیت خودرو از جانب راهنمایی و رانندگی به عنوان متولی اصلی امنیت در این حوزه، از جمله اقدامات مؤثر در این حوزه تلقی می‌شود.

۴. در جایی دیگر، در توجیه نظر مطرح‌شده آمده است که تنظیم سند رسمی برای معاملات موجب آسانی احراز وقوع معامله است و مشکلات اسناد عادی را ندارد.^۱ این در حالی است که این دلیل به کفایت داشتن صدور سند مالکیت خودرو از جانب نیروی انتظامی خللی وارد نمی‌سازد؛ زیرا مطابق ملاک مصرح ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، این سند نیز رسمی محسوب می‌شود.^۲

گفتار سوم - ضروری نبودن تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی و کفایت داشتن صدور سند از جانب نیروی انتظامی

در نظری دیگر، با توجه به دولتی بودن راهنمایی و رانندگی، سند صادرشده، رسمی محسوب می‌شود و به تنظیم دوباره همان سند نزد مرجعی دیگر به نام دفتر اسناد رسمی نیازی نیست. برای رسیدن به پاسخ تحلیلی و منطقی باید گفت قانون‌گذار با وجود آگاهی از مزیت‌های اسناد رسمی، برای پرهیز از ایجاد مشقت، ضروری نبودن تنظیم سند رسمی را در معاملات، اصل دانسته است. مطابق مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک، ثبت رسمی اسناد، اختیاری است و موارد الزامی به موارد منصوص محدود است.^۳ در قراردادهای، بر مبنای

۱. زارعی، پیشین، ص ۴۷.

۲. ماده ۱۲۸۷: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمیدر حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است».

۳. ماده ۴۶: «ثبت اسناد اختیاری است مگر در موارد ذیل: ۱. کلیه عقود و معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده باشد. ۲. کلیه معاملات راجع به حقوقی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده است». ماده ۴۷: «...ثبت اسناد ذیل اجباری است: ۱. کلیه عقود و معاملات راجعه به عین یا منافع اموال غیر منقوله که در دفتر املاک ثبت نشده. ۲. صلح‌نامه و هبه‌نامه و شرکت‌نامه».

مواد قانونی از جمله ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مدنی و هم‌چنین اصل حاکمیت اراده که در ماده ۱۰ این قانون متبلور شده، اصل بر عدم تشریفات و ضروری نبودن ثبت رسمی است. بر همین مبنا، اگر در مواردی، قانون‌گذار به تنظیم سند رسمی در خصوص موردی خاص تصریح کند، آن‌چه الزامی است، تنظیم سند رسمی مطابق روش‌های معین‌شده در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی است. بنا بر این، نمی‌توان به صلاحیت انحصاری دفتر اسناد رسمی برای تنظیم سند رسمی در این موارد نظر داد. قدر متیقن این‌که صلاحیت انحصاری دفتر اسناد، مختص مصرّحات قانونی در این باب است، به این صورت که صرفاً در مواردی، دفترخانه تنها مرجع تنظیم سند رسمی در آن مورد خاص است که قانون علاوه بر ضرورت رسمی بودن سند، به مرجعیت این دفاتر تصریح کرده است. پس اصل بر منحصر نبودن ثبت رسمی در دفتر اسناد رسمی است. هر جا قانون‌گذار نظر بر استثنا دارد، به موجب قانون خاص باید تصریح کند. اساساً نمی‌توان مقررات استثنا را با تفسیر موسّع به خارج تعمیم داد.

در نظام حقوقی اسلام نیز ادله اثبات دعوا طریقت دارد،^۱ نه موضوعیت. نکته مهم، حصول قطع عرفی به موجب آن است. اصل عدم تشریفات نیز بر منحصر نبودن تنظیم معامله رسمی در دفتر اسناد رسمی دلالت دارد. بنا بر این، امکان تنظیم سند رسمی به شیوه‌ای جز ثبت در دفتر اسناد رسمی نیز وجود دارد؛ زیرا به موجب قانون (ماده ۱۲۸۷ ق.م)، سند تنظیمی از جانب مأموران رسمی در حدود وظایف آنان نیز رسمی محسوب می‌شود. آن‌چه برای اعتبار انتقال این اموال ضرورت قانونی دارد، انتقال به موجب سند رسمی است. برای نمونه، اطلاق عبارت قانونی ماده ۴۰ قانون ثبت علائم و اختراعات، دربردارنده امکان تنظیم سند رسمی به هر شیوه‌ای است که مطابق قانون، موجد وصف رسمی است. در این موارد، اطلاق قانون، راه را برای تأسیس مرجعی دولتی برای این موضوع یا واگذاری آن به یکی از مراجع دولتی باز گذاشته است.

هم‌چنین انتقال حق و کسب و پیشه و تجارت به مستأجر جدید، موضوع قانون موجر و مستأجر، مصوب ۱۳۵۶ (تبصره ۲ ماده ۱۹) و انتقال سهم‌الشرکه شرکت با مسئولیت محدود، موضوع ماده ۱۰۳ قانون تجارت نیز به دلیل اطلاق و ذکر نشدن مرجع انحصاری برای تنظیم سند رسمی انتقال، متضمن همین امکان است که بیان شد.

برخلاف اطلاق یادشده، گاهی قانون‌گذار، مرجع تنظیم سند رسمی را دفتر اسناد رسمی قرار داده است. در این موارد، به صلاحیت نداشتن دیگر مراجع می‌توان نظر داد. از جمله این موارد، «معاملات کشتی» است. به موجب ماده ۲۴ قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳، «ثبت

۱. احسانی‌فر، پیشین، ص ۱۴۲.

کلیه نقل و انتقالات و معاملات و اقاله راجع به کشتی‌های مشمول قانون، در داخل کشور اجباری است و منحصرأ به وسیله دفاتر اسناد رسمی که برای این کار از طرف سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجازه مخصوص دارند، انجام می‌شود». صلاحیت تنظیم سند این دسته از معاملات نه تنها برای دفتر اسناد رسمی است، بلکه منحصر به دفترهایی است که در این باب، اجازه مخصوص از سازمان ثبت دارند. برخی سردفتران درصدد تعمیم این قانون به معاملات خودرو و ضرورت ثبت آن در دفتر اسناد رسمی برآمده و گفته‌اند: «[وقتی] ثبت کشتی‌ها در سازمان بنادر و دریانوردی صورت می‌گیرد، چه نیازی به تنظیم ثبت اسناد آن‌ها در دفاتر اسناد رسمی می‌بود؟ بدیهی است قانون‌گذار با توجه به اهمیت نقل و انتقالات کشتی‌ها، وفق قانون خاص، ثبت معاملات دفاتر اسناد رسمی را اجباری نموده است»^۱.

این پرسش و پاسخ، خود، دلیلی آشکار بر ضروری نبودن ثبت نقل و انتقال خودرو در دفتر اسناد رسمی است؛ زیرا همان‌طور که نویسنده گفته، ضرورت این امر در معاملات کشتی به دلیل اهمیت آن‌ها و تصریح قانون خاص است. بنا بر این، در نبود قانون خاص، تعمیم آن به معاملات خودرو، هیچ‌گونه منطق حقوقی ندارد. در ضمن، اهمیت معاملات کشتی با خودرو قابل قیاس نیست و مرجع تشخیص این اهمیت نیز قانون‌گذار است. یکی دیگر از صلاحیت‌های انحصاری دفتر اسناد رسمی، موضوع ماده ۱۰ قانون تسهیل تنظیم اسناد رسمی (۱۳۸۵/۵/۲۴) است که به موجب آن، نقل و انتقال ماشین‌های چاپ، لیتوگرافی و صحافی پس از موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط مالک باید در دفتر اسناد رسمی انجام شود. این مقرر نیز به مرجعیت دفتر اسناد رسمی برای انتقال مالکیت این دسته از اموال تصریح دارد. بنا بر این، دیگر مراجع نمی‌توانند این کار را انجام دهند. در پردازش موضوع انتقال مالکیت خودرو باید گفت که اصولاً آن‌چه خارج از استثنائات مصرح قانونی باشد، از ثبت رسمی اجباری، خارج و مشمول ثبت رسمی اختیاری مصرح در ماده ۴۶ قانون ثبت است. در خصوص خودرو نیز هر چند با توجه به تکرر معاملات و گسترش استفاده از آن در جامعه و همچنین احتمال وسیله ارتکاب جرم شدن، تمایل عموم بر ثبت رسمی انتقال مالکیت بود، ضرورت قانونی انتقال رسمی خودرو در قوانین موضوعه منتفی بود تا این‌که بند ۴ ماده ۱۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ تصویب شد. این بند قانونی مقرر می‌دارد: «وزارت‌خانه‌های کشور و راه و ترابری مکلفند نسبت به تهیه آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی و امور حمل و نقل و عبور و مرور اقدام نمایند تا پس از تصویب هیئت وزیران به موقع اجرا گذارده شود».

۱. زارعی، پیشین، ص ۴۵.

هیئت وزیران در اجرای مقررہ یادشده، آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی را در ۱۳۸۴/۴/۸ تصویب کرد. ماده ۲۰ این آیین‌نامه مقرر داشت: «هنگام نقل و انتقال مالکیت وسایل نقلیه، متعاملین یا قائم مقام قانونی آن‌ها ابتدا درخواست خود را به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین‌شده ارائه می‌نمایند تا پس از احراز اصالت خودرو و تطبیق مدارک آن‌ها، نسبت به فک پلاک منصوبه بر روی خودروی مورد معامله و اختصاص پلاک جدید و صدور شناس‌نامه جدید و ثبت تغییرات مزبور در نظام رایانه‌ای راهنمایی و رانندگی اقدام گردد. سپس مراتب به طور کتبی توسط راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین‌شده به دفتر اسناد رسمی جهت تنظیم سند رسمی انتقال منعکس می‌گردد. کارت خودرو از سوی راهنمایی و رانندگی بعد از تأیید مراتب تنظیم سند در دفترخانه اسناد رسمی که به وسیله پست سفارشی یا رایانه‌ای به سیستم راهنمایی و رانندگی منعکس می‌شود، به خریدار تحویل می‌گردد. گواهی راهنمایی و رانندگی و شناس‌نامه صادره تا دو ماه اعتبار دارد و در خلال مدت مذکور، متعاملین یا قائم مقام قانونی آن‌ها موظفند برای ثبت معامله و درج آن در ذیل شناس‌نامه (محل مخصوص) به دفتر اسناد رسمی مراجعه نمایند». ماده ۲۰ آیین‌نامه در عمل، انتقال رسمی معاملات خودرو را بنا نهاد. این مقررہ هر چند به صورت صریح، ضرورت انتقال رسمی خودرو را بیان نکرده است. با این حال، در قسمت اخیر آن که صدور کارت شناسایی خودرو را به مراجعه به راهنمایی و رانندگی وابسته کرده، در عمل، سبب انتقال رسمی است؛ چون مأموران این ارگان دولتی هستند و در حدود صلاحیت قانونی، سند صادر می‌کنند. به علاوه، این مقررہ در بخش پایانی خود، صدور کارت خودرو به نام منتقل‌الیه را به انتقال رسمی معامله در دفتر اسناد رسمی وابسته کرده است. در نتیجه، زمینه‌ساز اجباری شدن عملی انتقال رسمی از جانب نیروی انتظامی و همچنین دفتر اسناد رسمی شد.

این امر از چند جنبه اشکال داشت. از یک سو، این آیین‌نامه با توجه به اصل عدم لزوم معامله رسمی و اکتفای این ضرورت به استثنائات قانونی، از این جهت که متضمن لزوم انتقال رسمی خودرو بود، کاملاً ابتکاری و ماهیت این بخش، از نوع «قانون» است، نه آیین‌نامه. از این رو، از موارد خروج از صلاحیت قوه مجریه تلقی می‌شود. از سوی دیگر، این آیین‌نامه با این ایراد ماهوی نیز مواجه است که موجب انتقال مالکیت هم از سوی نیروی انتظامی و هم دفترخانه است؛ تکلیفی مضاعف و غیر ضروری که ثمری جز اتلاف وقت و هزینه و ایجاد زمینه تعارض دو سند صادرشده نداشت.

این ایراد به حال خود باقی بود تا این‌که قانون‌گذار در سال ۱۳۸۹ با تصویب قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی بر انتقال رسمی خودرو تصریح کرد. قسمت نخست ماده ۲۹

این قانون مقرر می‌دارد: «نقل و انتقال خودرو به موجب سند رسمی انجام می‌شود...». بنا بر این، به موجب این قانون، معاملات خودرو به نوعی مشمول انتقال رسمی شد و انتقال رسمی با تنظیم سند رسمی محقق می‌شود. مطابق ماده ۱۲۸۷ ق.م، سند رسمی عبارت است از «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفتر اسناد رسمی یا در نزد مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها بر طبق مقررات قانون تنظیم شده باشد». مطابق ماده ۷۰ قانون ثبت نیز سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده، رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرج در آن معتبر است. به موجب ماده ۷۱ قانون ثبت، معاملات و تعهدات مندرج در اسناد رسمی نسبت به متعاملین و قائم مقام آن‌ها معتبر است

یکی از آثار نپذیرفتن کفایت سند مالکیت نیروی انتظامی، امتناع دفتر اسناد رسمی از تنظیم وکالت‌نامه برای مواردی است که انتقال‌گیرنده با سند مالکیت صادرشده از نیروی انتظامی، از دفتر اسناد رسمی، درخواست اعطای وکالت به شخصی دیگر می‌کند. در این موارد، دفترخانه، تنظیم وکالت‌نامه را به سند انتقال در دفتر اسناد رسمی وابسته می‌کند که این امر به این دلایل ممنوع است:

مطابق ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، سند مالکیت خودرو که نیروی انتظامی صادر کند، سند رسمی محسوب می‌شود. تنظیم این سند طبق مقررات و در حدود صلاحیت مرجع صادرکننده است؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، بر اساس ماده ۲۲ اصلاحی قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، با اطلاق مقرر صدر اسناد مالکیت و مدارک خودرو از وظایف قانونی نیروی انتظامی است. این ماده قانونی، صدور اسناد مالکیت و پلاک خودرو را یکی از وظایف قانونی این ارگان دانسته است. واژگان «اسناد مالکیت و پلاک خودرو» بر صلاحیت نیروی انتظامی در صدور سند مالکیت خودرو دلالت مستقیم دارد. نکته این‌که این مقرر به موجب قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی یا دیگر قوانین به صورت صریح یا ضمنی نسخ نشده و همچنان لازم‌الرعایه است.

صدر ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی نیز در خصوص سند رسمی اطلاق دارد و به سند رسمی تنظیمی در دفتر اسناد رسمی اختصاص ندارد. همچنین قسمت اخیر ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، ناظر به تشریفات نقل و انتقال خودرو در دفتر اسناد رسمی است. این مقرر متضمن ایجاد محدودیت برای تنظیم سند رسمی از جانب نیروی انتظامی نیست و دلالتی بر انحصار این امر در دفترخانه ندارد. بنا بر این، مقررات و تشریفات قوانین ثبت و آیین‌نامه‌های مربوط در مقام بیان مواردی است که متعاملین به اختیار، تصمیم به تنظیم سند مالکیت خودرو در دفتر اسناد رسمی دارند و این امر، نافی بی‌اعتباری سند مالکیت صادرشده از نیروی انتظامی نیست.

«رأی وحدت رویه شماره ۱۸۶۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بندهای ۲ و ۳ بخش نامه شماره ۹۴/۱۴۷۲۰۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۷ معاونت امور اسناد و املاک کشور نیز مقید کردن تنظیم وکالت نامه تعویض مجدد پلاک به انجام انتقال در دفاتر اسناد رسمی را خلاف قوانین موضوعه از جمله ماده ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران دانست».

بر اساس بند اول ماده ۴۹ قانون ثبت اسناد و املاک، «ثبت کردن اسناد مطابق مقررات قانون»، یکی از وظایف مسئولان دفتر اسناد رسمی است و در صورت مراجعه اشخاص، آن‌ها مکلفند آن را انجام دهند. بنا بر این، چنانچه دفتر اسناد رسمی از اعتبار دادن به برگ نقل و انتقال مالکیت خودرو صادرشده از نیروی انتظامی استنکاف کند و از جمله از تنظیم وکالت نامه آن‌ها خودداری ورزد، از وظیفه قانونی خود تخطی کرده است. در این صورت، مطابق ماده ۷۳ قانون ثبت، مرتکب استنکاف از اعتبار دادن به اسناد رسمی شده و در مراجع انتظامی قابل تعقیب انتظامی است.

ماده ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران، مصوب ۱۳۵۴ نیز سردفتران و دفترباران را موظف به تنظیم و ثبت اسناد مراجعان می‌داند. هم‌چنین با توجه به استناد ماده ۷۳ قانون ثبت و ماده ۲۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران، مصوب ۱۳۵۴ با توجه به نبود جهت قانونی در این امر، چنانچه به سبب این استنکاف از وظیفه قانونی، خسارتی وارد شود، تمامی خسارت‌های واردشده به صاحبان اسناد رسمی را نیز باید جبران کنند.

علاوه بر اشکال‌های ناشی از هزینه‌زایی و ایجاد زحمت و اتلاف وقت و انرژی برای متعاملین، رویکرد منفی نظریه الزامی بودن مراجعه آن‌ها به دفتر اسناد رسمی با وجود صدور سند مالکیت خودرو به نام منتقل‌الیه از سوی نیروی انتظامی، ایجاد زمینه صدور اسناد رسمی متعارض است؛ چون ممکن است برخی مالکان به سند مالکیت نیروی انتظامی اکتفا کنند. در این صورت، مطابق سند تنظیمی دفتر اسناد رسمی، شخص یا اشخاص قبلی هم‌چنان مالک هستند، حال آن‌که مطابق برگ سبز که خود، سند رسمی است، شخص دیگری (منتقل‌الیه)، مالک همان خودرو است. این امر، رویکرد تعارض و تضعیف جایگاه اسناد رسمی و کاهش اعتماد نسبی به این اسناد را در پی دارد.

قانون‌گذار باید تمامی واقعیت‌های انسانی و اجتماعی و علمی مربوط به تقنین را در نظر بگیرد و این تصمیم‌گیری‌ها باید معقول، منطقی و توجیه‌پذیر باشد.^۱ در تقویت نظر مذکور باید گفت چون بر اساس رویه جاری در حال حاضر، وضعیت مالکیت خودرو و نیز امکان

۱. رحمانی، مجید، محمد امامی و محمد مقدم‌فرد، مبانی و آثار قانون‌گذاری موازی و ضرورت

برون‌رفت از آن، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره ۱۱، ص ۵۱ و ۵۳

توقیف آن فقط از طریق راهنمایی و رانندگی امکان‌پذیر است، تنظیم سند انتقال مالکیت به دست نیروی انتظامی، امکان انتقال خودروی دیگران یا توقیفی را در عمل ناممکن می‌سازد. وحدت مرجع اجرایی احراز مالکیت و توقیف خودرو با تنظیم‌کننده سند مالکیت جدید، رویکرد کارآیی مقررات را در این بعد و در نتیجه، رعایت احراز مالکیت ناقل و ممنوع نبودن انتقال خودرو در زمان تنظیم سند را در پی دارد. این امر، مثبت بی‌نیازی این اسناد از تنظیم دوباره نزد دفتر اسناد رسمی است.

نتیجه گیری

سند مالکیت خودرو و مرجع صالح برای تنظیم این سند با توجه به گستره کمی و کیفی این معاملات در سطح جامعه و رشد روزافزون آن، موضوعی مهم و اثرگذار است. مناقشه‌های نسبتاً درازمدت در این باب بین نیروی انتظامی و دفتر اسناد رسمی بسیار روشن است. اختلاف موجود بین کفایت تنظیم سند مالکیت خودرو از جانب نیروی انتظامی یا ضرورت تنظیم دوباره همین سند نزد دفتر اسناد رسمی است. نظر حقوقی مطلوب در این باره همانند همه موضوعات حقوقی باید متضمن اکتفا به ضرورت و خودداری از تشریفات بی‌وجه و دوباره کاری باشد؛ راهکاری که موجب ایجاد هزینه غیر ضروری و تحمیل زحمت نالازم برای جامعه نشود و از ناخرسندی‌های مردم و جامعه بکاهد. بدون تردید، تبدیل چنین نظری به قانون موجب تحقق مشروعیت و مقبولیت قانون و هم‌چنین کارآیی صحیح آن است.

سند مالکیت خودرویی که نیروی انتظامی صادر کند، برای تشخیص مالک خودرو کافی است و الزام متعاملین به تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی، مبنای قانونی و توجیه عقلانی ندارد و رویکردی جز هزینه و اتلاف وقت برای جامعه در پی ندارد. هم‌چنین صدور سند مالکیت از جانب اداره راهنمایی و رانندگی به عنوان متولی امر منطبق با تخصص سازمانی و وظایف قانونی این نهاد است. با توجه به رسمی بودن این سند، الزام متعاملین به مراجعه به دفتر اسناد رسمی و تنظیم مجدد سند، امری بی‌فایده و منافی تسهیل روابط معاملاتی و در نتیجه، مغایر با رویکرد رفاه اجتماعی است.

با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته در پژوهش اعم از ظرفیت‌های قوانین موجود و فواید نظریه کفایت تنظیم سند مالکیت خودرو از سوی نیروی انتظامی به عنوان متولی این حوزه و مرجعیت عملی در احراز مالکیت و هم‌چنین مرجع توقیف خودرو می‌توان گفت درست است که ظرفیت قوانین موجود، رأی وحدت رویه صادرشده از دیوان عدالت اداری مبنی بر کفایت سند مالکیت خودروی صادرشده از جانب اداره راهنمایی و رانندگی برای تنظیم وکالت‌نامه، موجد رسمی بودن و کفایت سند مالکیت صادرشده از اداره راهنمایی و رانندگی (نیروی انتظامی) است. با این حال، اصلاح قوانین موجود و تصریح مبنی بر ضرورت نداشتن مراجعه متعاملین خودرو به دفتر اسناد رسمی می‌تواند فصل‌الخطاب مناقشه‌ها و توجیه‌های نظر مخالف باشد.

فهرست منابع

الف) کتاب

۱. تقی‌زاده، ابراهیم و سید احمدعلی هاشمی، **مسئولیت مدنی (ضمان قهری)**، تهران: پیام نور، ۱۳۹۱.
۲. شهیدی، مهدی، **حقوق مدنی (۶): عقود معین (۱)**، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۳. صدرزاده افشار، محسن، **ادله اثبات دعوا در حقوق ایران**، تهران: سمت، ۱۳۷۶.
۴. کاتوزیان، ناصر، **اثبات و دلیل اثبات**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۵. کریمی، عباس، **ادله اثبات دعوا**، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.
۶. محقق حلی، **مختصر النافع فی فقه الامامیه**، تهران: قسم الدراسات الإسلامية فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۰.
۷. معین، محمد، **فرهنگ فارسی (جلد ۲)**، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰.
۸. واحدی، قدرت‌الله، **بایسته‌های آیین دادرسی مدنی**، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۹. هاشمی، سید احمدعلی و ابراهیم تقی‌زاده، **حقوق اموال و مالکیت**، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۳.

ب) مقاله

۱. احسانی‌فر، احمد، «**ادله قرآنی اعتبار سند رسمی و چیرگی آن بر دیگر ادله اثبات دعوا**»، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۶، سال چهارم، شماره ۷.
۲. تاجگر، رضا، «**دفا تر اسناد رسمی؛ مرجع صدور سند مالکیت وسایل نقلیه**»، ماهنامه کانون، ۱۳۹۲، شماره ۱۴۰ و ۱۴۱، صص ۹-۱۴.
۳. درویشی، بابک و وجیهه محسنی، «**نگاهی به چگونگی انتخاب و صلاحیت سردفتران اسناد رسمی در نظام حقوقی ایران و فرانسه**»، تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۹۰، دوره چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۶-۱۱۶.
۴. خدابخشی، عبدالله، «**قابلیت استناد سند عادی در برابر سند رسمی؛ رویه قضایی و راهکارها**»، تعالی حقوق، ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۲.
۵. رحمانی، مجید، محمد امامی و محمد مقدم‌فرد، **مبانی و آثار قانون‌گذاری موازی و ضرورت برون‌رفت از آن**، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره ۱۱، صص ۵۱ و ۵۳.

۶. سادات‌آخوی، سید محسن و سید مرتضی طباطبایی، «تحلیل اعتبار مطلق اسناد رسمی در پرتو قانون احکام دایمی برنامه‌های توسعه»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۸، دوره سی و هشتم، شماره ۱۰۸، صص ۱۱۹-۱۳۴.
۷. زارعی، محمد، «تنظیم سند رسمی برای وسایل نقلیه موتوری»، ماه‌نامه کانون، ۱۳۸۹، شماره ۱۰۷، صص ۴۲-۴۸.
۸. فرخی، یزدان، «کاوشی درباره لفظ سند در متون فارسی به معنای نوشته‌ای رسمی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، ۱۳۹۴، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۵۷-۷۲.
۹. فلاح‌پیشه، بهنوش، «مرجع صدور سند مالکیت وسایل نقلیه»، ماه‌نامه کانون، ۱۳۹۰، شماره ۱۲۵، صص ۷۰-۷۷.
۱۰. لعلی سراب، مسعود، محمد مظهری و علی حاجی‌پور کندرود، تأملی بر مراجع صلاحیت‌دار و ایین شکلی سلب مالکیت اراضی در حقوق ایران و فرانسه، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۱۴۰۰، دوره سوم، شماره ۹، صص ۱۶۵-۱۸۸.
۱۱. مهرآسا، جمشید، علی‌رضا حسنی و محمد روحانی مقدم، «جایگاه ثبت نوین اسناد تک برگی و حدنگار در اعتباربخشی به اسناد رسمی و بیع املاک»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴۰۰، سال سیزدهم، شماره ۲۴، صص ۴۳۹-۴۵۶.
۱۲. وصالی ناصح، مرتضی، «سند رسمی الکترونیک (مطالعه تطبیقی امکان صدور سند رسمی الکترونیک در حقوق ایران و امریکا)»، دانش‌نامه سیاست و حقوق، ۱۳۹۴، شماره ۲۵، صص ۶۱-۸۰.

ج) قوانین و اسناد

۱. آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۹۱/۵/۱۵ هیئت وزیران.
۲. آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، مصوب ۱۳۸۴ هیئت وزیران.
۳. رأی وحدت رویه، شماره ۱۸۶۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲، دیوان عدالت اداری.
۴. قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰.
۵. قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران، مصوب ۱۳۵۴.
۶. قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۷.
۷. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹.
۸. قانون ثبت اسناد و املاک، مصوب ۱۳۱۰.
۹. قانون دریایی، مصوب ۱۳۴۳/۶/۲۹.

۱۰. قانون اصلاح ماده ۲۲ قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۲.
۱۱. قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مصوب ۱۳۸۹.
۱۲. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷.
۱۳. نظر مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، شماره ۷/۹۹/۹۳۵ مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۹.
۱۴. نظر مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه، شماره ۷/۹۹/۱۰۳۲ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۹.

Title deed preparation of the car in Iranian law; police or a notary?

Mohammad Shokri*

Abstract:

Transactions with the subject of transfer of ownership is one of the social necessities, the document has an important role in proving the realization of these legal acts, which may be formal or ordinary. The principle is that it is not necessary to prepare an official document, except as provided by law. The sale and transfer of real estate and letters of intent are among these mandatory cases. In addition, in some other cases, such as the transfer of patents, goodwill, and ship transactions, special laws have stipulated the need to prepare an official document. The transfer of car ownership as one of the most common and important transactions in society has recently been the subject of controversy. Transactions of this property did not require official registration, but with the approval of the Law on Investigation of Driving Violations approved in 1398, the official transfer of this property was also established. Because of the wording of the law, this is a point of contention; Is the document issued by the police sufficient, or in addition to the need to re-arrange the document in the notaries? The study of the issue has been done in a descriptive-analytical manner based on the existing legal principles and legal capacities with the approach of paying attention to the legal needs of the society. Some consider the requirement to document in notaries. The results of the investigation indicate that the document issued by the police is official and that it is not required to be registered in the notary public. This view, in addition to compliance with existing regulations and the unanimous ruling of the Administrative Court of Justice, includes a cost-cutting approach to social welfare.

Keywords: Vehicle, official document, law enforcement, notaries.

*. Assistant Prof, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

mshokri@pnu.ac.ir